



ژئوپزشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

## ۵-۲. ناکارآمدی قوانین دادرسی و توجیه نبودن مراجع قضایی

وجود خصیصه‌ی ابهام، اجمال، تناقض و تهافت در قوانین و مقررات دادرسی به ویژه درباره تعیین میزان اختیارات و تکالیف قضات در استفاده از قرارهای تامین کیفری، یکی دیگر از دلایل مهم افزایش آمار ورودی به زندان‌ها می‌باشد. فراموش نکنیم که همواره بخش مهم جمعیت زندان‌ها را زندانیان منتظر محاکمه و بازداشت موقت تشکیل می‌دهند.

به زعم بسیاری از متصدیان نظام کیفری به بازداشت موقت باید به عنوان آخرین حربه نگریسته شود و فقط زمانی مورد استفاده قرار بگیرد که ضروری و معقول و قانونی باشد. بر این اساس، توجیه مراجع قضایی نسبت به مسائل زندان و آگاهی و اطلاع آنان در خصوص امور زندانبانی رابطه مستقیم با تصمیمات آنان در رابطه با مجرمین خواهد داشت. متأسفانه، اکثر قضات کشور از جو حاکم بر زندان‌ها بی‌اطلاع بوده و همین موضوع امر را بر آنها مشتبه گردانیده و سبب شده است که به زعم

می‌کند به حداقل ممکن برسد. برای رسیدگی به این مطلوب باید گسترش جانشین‌های کیفری و کیفرهای جانشین در دستور کار قانونگذار قرار گیرد.

۲-۳- گام دیگر حذف مطلق حبس بدل از پرداخت جریمه نقدی و به ویژه حبس بدل از تعهدات و دیون مدنی به خاطر تعارض آن با اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۱۱ میثاق حقوق بین‌المللی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است.

۳-۳- باید تدابیری اندیشید که از اهرم‌های جایگزین پیش از محاکمه به ویژه از جانشین‌های بازداشت موقت به نحو صحیح و مطلوب استفاده شود. برخی از تدابیری که می‌تواند در این

خودشان به منظور تنبیه مجرمان حتا اگر یک شب هم که شده است آنان را روانه زندان کنند و این امر در حالی صورت گرفته است که بر اساس موازین قانونی امکان معرفی نکردن بزه‌کار به زندان نیز وجود داشته است. غافل از اینکه، حتا یک شب زندانی شدن مجرمی که فاقد سابقه می‌باشد، در زندان نه فقط رعب زندان را برای او از بین می‌برد، بلکه در تأثیر سوء و بدآموزی‌های متداول زندان، روحیه ارتکاب بزه در مورد مجرم گسترش می‌یابد و پس از آزادی از زندان نیز بدون واهمه‌ی قبلی و با جسارت بیشتری نسبت به عملیات مجرمانه اقدام می‌کند. مصاحبه‌های به عمل آمده با قضات نمایانگر این واقعیت است که دیدگاه قضات ناظر زندان که اشراف و آگاهی نسبت به امور زندان‌ها دارند، حتا در بعضی موارد کاملاً با سایر مراجع قضایی دیگر تفاوت دارد.

بعضا مشاهده شده است که قاضی در مورد مجرم قرار صادر کرده و امکان تودیع قرار از سوی متهم نیز وجود داشته است، لیکن قاضی صادرکننده قرار عمداً متهم را تا آخر وقت اداری نگه داشته است و به هر تقدیر متهم را از انجام اقدامات لازم به منظور معرفی به زندان محروم و نهایتاً او را روانه زندان می‌کند. حتی در بسیاری از موارد مشاهده شده است که اشخاص معجون برای رفع حالت خطرناک به زندان روانه شده‌اند.

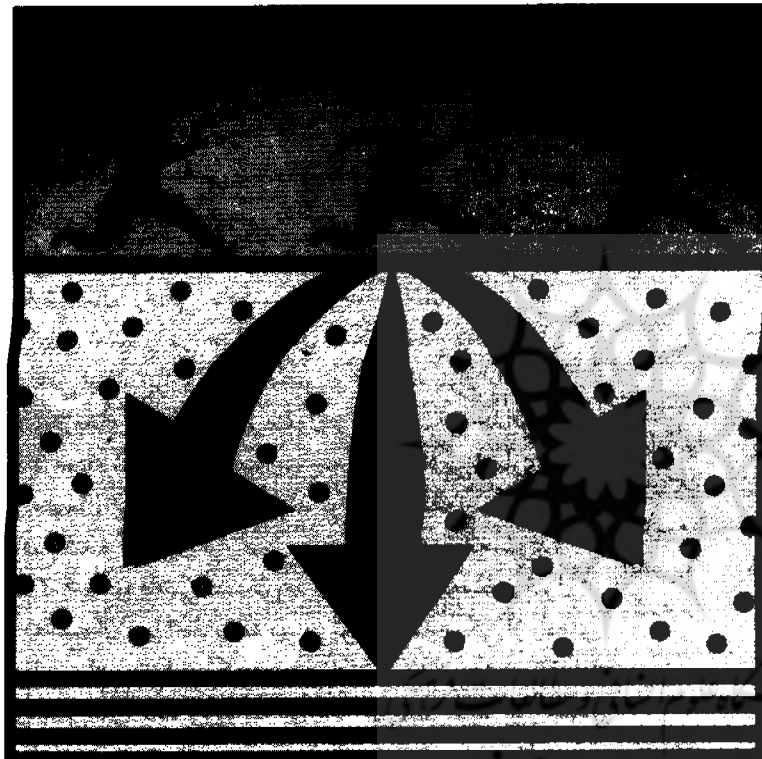
در حال حاضر که امکانات مجهز و کافی روان‌درمانی این دسته از بیماران در زندان‌ها وجود ندارد، بودن این گونه مجرمان غیر مسئول در زندان‌ها نه فقط حالت خطرناک و بیماری آنان را مرتفع نمی‌کند، بلکه ممکن است جهت معکوس نیز داشته باشد و بیماری روانی آنان نیز حادثر شود. بر طبق قانون این دسته افراد لازم است به مراکز اقدامات تأمینی معرفی شوند و روانه کردن آنان به زندان چیزی نیست جز بی‌اطلاعی و ناآگاهی مراجع قضایی مربوط از زندان.

به غیر از عوامل فوق، عوامل دیگری نیز مانند استفاده از حبس به جای محکومیت‌های مالی و جزای نقدی و مضافاً، کاهش سن مسئولیت کیفری و نظایر آن موجب افزایش جمعیت کیفری می‌شوند که از ذکر آنها اجتناب می‌شود.

### ۳- راهکارهای مقابله با بحران تورم جمعیت کیفری

از مجموع آنچه گذشت چنین نتیجه گرفته می‌شود که برای کاهش جمعیت کیفری و جلوگیری از تشدید بحران در نظام کیفری، علاوه بر اتخاذ تدابیر لازم به منظور کاهش بزه‌کاری و سیاست پیشگیرانه‌ی عمومی و اجتماعی که مستقیماً بر جمعیت کیفری موثر است، باید گام‌های اساسی دیگری برداشت که در زیر به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱-۳- نخستین گام در این باره حبس زدایی است. در این مورد تدابیری باید اندیشید که تعداد جرایمی که متهمان را روانه زندان



خصوص مورد استفاده قرار گیرند عبارتند از: اقامت در نقطه‌ی معین و یا ممنوعیت از رفتن به مناطقی که مرجع رسیدگی مشخص می‌کند و یا سایر مجازات‌های تکمیلی و تسمیمی دیگر. متأسفانه در حقوق ایران قراردادهای جایگزین بازداشت موقت به طور سنتی فقط به چهار مورد التزام به حضور با قول شرف، التزام با تعیین وجه الزام، کفالت و وثیقه محدود شده است که به منظور کاهش موارد بازداشت موقت لازم است در این زمینه وارد عمل شد و ضمن افزایش اختیارات مقام قضایی در توسل به قراردادهای جایگزین بازداشت و حتا اجبار قضات به صدور قراردادهای جایگزین بازداشت در پاره‌ای موارد خاص، در کاهش بار نظام عدالت کیفری تلاش کرد.

بنابراین باید روش‌هایی را پیش‌بینی نمود که بر اساس آن از ورود متهمانی که به علت قرار صادره توسط مراجع قضایی

به زندان معرفی می‌شوند، جلوگیری کرد. این قرارها که معمولاً منجر به بازداشت و زندانی شدن متهمان می‌شود عبارتند از:

۳-۴. درخصوص متهمانی که با صدور قرار بازداشت موقت مستقیماً روانه زندان می‌شوند و تا قبل از فک‌قرار و یا صدور قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب، متهم کماکان در بازداشت می‌ماند، لازم است قضات محترم در صدور قرار دقت کنند یا اینکه ملزم شوند که دلایل قوی برای صدور قرار بازداشت موقت وجود داشته باشد. آمار نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد صدور قرار بازداشت موقت ضرورت نداشته است و متهمان سرانجام برائت یا قرار منع تعقیب دریافت کرده است و چنانچه سایر قرارهای مذکور در ماده‌ی ۱۳۹ آیین دادرسی کیفری صادر می‌شد، احتمالاً متهم به زندان روانه نمی‌شد و یا اگر معرفی می‌شد امکان آزادی وی از طریق تودیع وثیقه یا معرفی کفیل وجود داشت.

۳-۵. گروهی از متهمان که قرار وثیقه در مورد آنان صادر شده است، در نهایت به لحاظ عجز از تودیع وثیقه و یا پرداخت مبلغ وثیقه روانه زندان می‌شوند. علت عمده معرفی شدن این دسته از زندانیان، کارشناسی نشدن وثیقه‌های آنان در روز صدور قرار می‌باشد و یا دسترسی نداشتن به بانک برای پرداخت مبلغ وثیقه. لذا چنانچه در هر حوزه‌ی مجتمع قضایی، کارشناسان رسمی دادگستری وجود داشته باشد که ارزیابی اسناد را در حداقل زمان ممکن انجام دهند و یا حداقل ایجاد ابزاری مانند فکس و غیره که بتوان پاسخ استعلام‌های وثیقه‌های غیر منقول از اداره ثبت در حداقل زمان انجام شود، در این صورت چه بسا تعداد بی‌شماری از متهمان این نوع قرار خواهند توانست وثیقه‌ی خود را تودیع کند و از طریق قرار قبولی وثیقه، به زندان روانه نشوند.

۳-۶. وجود قاضی کشیک بعد از وقت اداری به منظور قبول وجه‌الضمان و یا اخذ وثیقه نیز می‌تواند به مثابه یکی از راه‌های اصلی برای معرفی نکردن متهمان به زندان باشد. به آمار بازداشتی‌های یک روزه که مراجعه می‌کنیم موبد این مطلب خواهد بود که متهمان مزبور چنانچه ساعاتی پس از صدور قرار مجال و فرصتی داشتند، به انحای مختلف موفق به تودیع وثیقه می‌شدند.

۳-۷. به منظور جلوگیری از ورود متهمانی که با قرار کفالت به زندان معرفی می‌شوند، مباحث پیشین در مورد با این دسته از متهمان نیز مصداق دارد. بعضی از این متهمان هر چند توان معرفی کفیل را دارند، اما با خاتمه‌ی وقت اداری و یا تماس نداشتن با کفیل، معرفی کفیل به روزهای بعد از بازداشت موکول می‌شود و نتیجه آن خواهد شد که چند روز بعد از ورود به زندان، با قبول قرار کفالت، موجبات آزادی متهم فراهم می‌شود. درخصوص متهمان فوق پیشنهاد می‌شود پس از صدور قرار حداکثر چند روز در اختیار حوزه‌های نیروی انتظامی قرار گیرند و یا در محل‌هایی غیر از زندان یا بازداشتگاه‌ها اسکان داده شوند و امکانات لازم به منظور ارتباط آنان با بستگانشان نیز فراهم آید تا چنانچه متهم

طی یک هفته موفق به تودیع وثیقه یا کفیل شد، فوری آزاد و دیگر روانه زندان نشود. یکی از نتایج این روش علاوه بر جلوگیری از آثار منفی زندان و کاهش هزینه‌ها، منع عکاسی و انگشت نگاری می‌باشد که این خود نیز سبب کاستن حجم بسیاری از امور در اداره تشخیص هویت و انگشت نگاری می‌شود. به علاوه، قضات نیز باید توجیه شوند که همانطوری که اختیار متهم از حیث صدور قرار با قاضی خواهد بود، تشخیص ارزیابی وثیقه‌ها از حیث میزان نیز تا حدودی با قاضی می‌باشد و در این جهت ضرورت ندارد تمامی اسناد از ثبت استعلام شود و یا اینکه در کلیه‌ی موارد میزان ارزیابی سند موکول

### اکثر قضات کشور

از جو حاکم بر زندان‌ها بی‌اطلاع

بوده و همین موضوع امر را بر

آنها مشتبه گردانیده

و سبب شده است که به‌زعم

خودشان به منظور تنبیه

مجرمان حتا اگر یک شب

هم که شده است آنان را

روانه زندان کنند و این امر

در حالی صورت گرفته است

که بر اساس موازین قانونی

امکان معرفی نکردن بزهار

به زندان نیز

وجود داشته است

به نظر

کارشناسی

شود.

۳-۸. باید از اهم تنوع

و کثرت مجازات‌های هم عرض به

نحو دقیق استفاده شود. آنگونه که در قوانین کیفری نیز منعکس

است، در بسیاری از مجازات‌ها، قانونگذار مجازات حبس را در

کنار جریمه‌ی نقدی یا سایر کیفرها پیش‌بینی نموده و قاضی

صادرکننده حکم می‌تواند حسب اختیار خود حبس یا جزای

نقدی را بدل از آن قرار داده و میزان مجازات را تعیین کند. با وصف

توالی فاسدی که احتمالاً کیفر زندان به‌همراه خواهد داشت

پیشنهاد آن است که در صورت امکان به قاضی اختیاراتی تفویض

شود یا حتا به‌نحوی قانونی ملزم و موظف شود که به جای زندان

از جزای نقدی یا سایر جایگزین‌ها استفاده کند.

به زندان‌های کشور خواهد بود.

۳-۱۴- استفاده از تاسیسات حقوقی مانند لزوم بایگانی کردن پرونده‌های کم اهمیت، صدور قرار تعلیق تعقیب در دادسراها اگر توأم با نظارت دقیق، مستمر و هدفمندی صورت پذیرد، تاثیر قابل ملاحظه‌ای در دستیابی به اهداف حبس‌زدایی خواهد گذاشت.

۳-۱۵- تشکیل پرونده شخصیت برای متهمان و فردی کردن مجازات در مرحله‌ی دادرسی برای تعیین بهترین نوع واکنش و حتی‌المقدور انصراف از صدور حکم مجازات زندان باید به یک الزام قضایی جدی برای قضات درآید و در صورت صلاحدید، واحدی در دادگستری‌ها تشکیل و نظارت مستقیم و دقیقی بر این مقوله داشته باشد. استفاده از متخصصان و روان‌شناسان بالینی در محاکم قضایی آنگونه که در کشورهای پیشرفته‌ی حقوقی متداول و مرسوم است، می‌تواند بسیار مفید واقع شود.

۳-۱۶- معضل مهمی که وجود دارد آن است که متأسفانه بسیاری از قضات فعلی با اندیشه‌ها و رهنمودهای کلان قضایی که توسط ریاست محترم قوه‌ی قضاییه مورد تاکید و تصریح قرار می‌گیرد و سیاست حبس‌زدایی را به شدت توجیه می‌نماید، یا بیگانه‌اند، یا اینکه الزامی را در خصوص تبعیت یا پیروی از این دستورهای مترقی و اصلاح محور در خود احساس نمی‌کنند و اینگونه می‌شود که نوعی تعارض پنهان یا آشکار بین سیاست کلان قضایی و تصمیم‌گیری‌های قضات ملاحظه می‌شود. معمولاً قضاتی که دارای میدان دید محدودی هستند و با آموزه‌های نوین کیفرشناسانه آشنایی یا رابطه‌ی مطلوبی ندارند، به همان سبک قدیمی اکتفا می‌کنند و آسان‌ترین روش را برای مقابله با بزهکاری حکم به زندان می‌دانند.

برای تفوق بر این مشکل اول؛ پیشنهاد می‌شود با یک مطالعه و بررسی جامع علمی و پژوهشی و ضمن مطالعه‌ی آمار پرونده‌های محاکم قضایی، آن دسته از قضاتی که تمایل وافری به اعمال مجازات حبس دارند، توجیه شوند یا اینکه به مراجع حقوقی و غیرکیفری انتقال یابند. دوم؛ بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های الزام آوری برای حوزه‌های قضایی ابلاغ شود و بر مبنای آن، اختیارات قضات در به کارگیری مجازات حبس تحدید و یا در چارچوب ضوابطی مشخص و هدفمند تعریف و منحصر شود. سوم؛ استفاده از قضات جوان و تحصیلکرده که مطالعات آنان روز آمد باشد و حداقل از مدارک کارشناسی ارشد و بالاتر در گرایش جزا و جرم‌شناسی بهره‌مند باشند، گامی به سوی پیشرفت خواهد بود. چهارم؛ ترتیبی اتخاذ شود تا از حیث اطلاع‌رسانی زمینه‌ی آشنایی قضات با مباحث روز کیفرشناسی و سیاست‌های توسعه‌ی قضایی در موقعیت فعلی به نحو مطلوبی فراهم آید. طبعاً برگزاری نشست‌ها و سمینارهای کارشناسانه و تخصصی با حضور استادان و علمای فن می‌تواند مفید و اثرگذار تلقی شود.



۳-۹- قضات باید ملزم شوند که از تاسیسات و نهادهای حقوقی مانند تعلیق مجازات که باعث معرفی نکردن محکوم به زندان و در نتیجه کاهش آمار جمعیت کیفری زندان می‌شود، بیشتر استفاده کنند. بدین منظور ضروری می‌نماید که شرایط اعمال چنین تاسیساتی تسهیل شود تا از این حیث مانعی در بین نباشد. همچنین استفاده از اختیارات تبدیل مجازات بر اساس ماده ۲۲ قانون اسلامی گامی مهم در جهت تعدیل آمار ورودی زندانیان خواهد بود.

۳-۱۰- ایجاد برنامه‌ریزی برای بازدید قضات از زندان‌های کشور نیز یکی از روش‌های بسیار مفید برای آشنایی و توجیه آنان با مسایل زندانیان خواهد بود که در نتیجه شناخت و آگاهی ایشان از امور زندان‌ها به‌طور غیرمستقیم تاثیری در پایین بودن آمار ورودی زندان خواهد داشت.

۳-۱۱- قدر مسلم، ایجاد و طراحی برنامه‌های آموزشی و منظم سالانه برای قضات در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی جرم‌شناسی و کیفرشناسی و آشنایی آنان با تحقیقات مربوط که توسط مراکز تحقیقی و پژوهشی به عمل می‌آید نیز اثر مثبتی در خصوص تصمیم‌های قضایی مراجع به مجرمان و در نتیجه کاهش آمار جمعیت کیفری زندانیان خواهد گذاشت.

۳-۱۲- ایجاد و راه‌اندازی مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی برای نگاه‌داری مجانین و مجرمان غیر مشمول نیز سبب خواهد شد که این دسته از مجرمان به مراکز درمانی معرفی شوند و روانه نکردن آنان به زندان‌ها موجب تقلیل آمار جمعیت کیفری زندانیان خواهد شد.

۳-۱۳- به کارگیری و استفاده از تاسیسات حبس‌زدا و جایگزین نیز در نوع خود بسیار کارگشا خواهد بود. تدابیری چون نظام نیمه آزادی، نگاه‌داری در موسسات آموزشی خارج از زندان، کیفرهای پایان هفته، حبس خانگی، خدمات عام‌المنفعه و نظایر آنها به شرط آنکه ضمانت‌های اجرایی آن به روشنی برای قضات محاکم توجیه و تفهیم شود، گامی مهم در کاهش آمار ورودی